



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

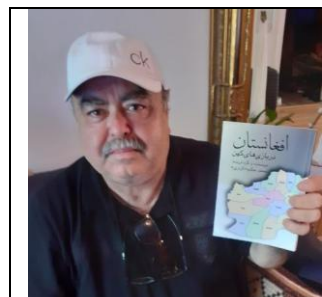
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



# محمد حکيم « کرئزی »

تاریخ نشر: اول جنوری 2023 میلادی

## افغانستان

افغانستان به اساس اسناد و شواهد دست داشته تاریخی و باستانشناسی، مدنیت پنج هزارساله دارد.

این سرزمین به عنوان مسکن اصلی افغانان در تاریخ کشور ما ریشه و پیشینه دراز دارد، اما به عنوان واحد سیاسی از قرن شانزده میلادی متداول شده است. کلمه افغانستان را نخستین بار در تاریخ نامه هدایت تالیف سیف بن محمد یعقوب الهروی ( اوایل قرن هفتم هجری) میبینیم.

در این کتاب 35 مرتبه کلمه (افغانستان) و دوبار کلمه اوغانستان بکار رفته است اما برای یک محدوده کوچک، از آن جمله در صفحه 169 همین کتاب می خوانیم ( شهر هرات و توابع آن چون جام و باخزر و کویه و سویه و خره و خوشنج و درزاب، تولک و غور و فیروزکوه و غرجستان و مرغاب و فاریاب و مرحق تا آموی اسفزار و فراه و سجستان و تگین آباد و تیرا و سیستان و افغانستان تا شط سند و حد هند فرستادیم ). « ۱ » . معین الدین محمد اسفزاری دانشمند قرن نهم این کلمه را با مضاف های مانند دیار افغانستان آورده است و از آن جمله است:

امراً گفتند که اسفزار و فراه و سجستان تا حدود افغانستان از توابع هرات است. در صفحه « 164 » کتاب خود گوید محمد خدابنده الجایتو امر کرد که..... کشور هرات با ولایات آن از دریای آمو تا شرقیترین نقطه افغانستان بوی ( غیاث الدین) داده شود. در تزک منسوب به تیمور گورگان و کنکاش، دیگر در تسخیر ممالک سیستان و قندهار و افغانستان کردم. « ۲ » .

مولانا کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی هروی در مطلع سعدین و مجمع بحرین، این سرزمین را بخشی از قلمرو تیموریان هرات دانسته و با مؤکب همایون از جیحون عبور نموده، ولایت قندهار و کابل و غزنین تا کنار آب سند و افغانستان که در زمان حضرت صاحب قرآن بابر که در قرن نهم می زیسته، چندین بار نام افغانستان را در ترک خون با همان محدوده جغرافیایی کابل برده است کی از نمونه های آن این است.

ولایت کابل از اقلیم چارم است، در میان معموره واقع شده، شرقی آن لمقانات و پرشاور و کاشغر و بعضی از ولایات هند است. غربی آن کهستان است و کرنو غور در آن کوهستانهاست. شمال او ولایت قندوز و اندراب است کوه هندوکش در میان است جنوبی آن فرمل، تگر و بنو و افغانستان است.

سلطان محمد درانی مؤلف تاریخ سلطانی، افغانستان را بین هندوستان ایران و ترکستان میداند. مؤلف متأثر الامرا که معاصر احمد شاه درانی است ذکری از نام افغانستان دارد جاییکه آورده است: شاه بیگ خان حسب حکم صوبگی کابل و ضبط افغانستان متباهی گشته از حسن ابدال رخصت تعلقه یافت.

خلاصه امر کلمه افغانستان و افغان را میتوان در آثار عبدالطیف بن عباسی صاحب کتاب ( الطائف معنوی و حقائق المثنوی) که در آغاز قرن نوزده میلادی میزیست و هم چنان صاحب تاریخ فرشته و غیره آثار قدیمه دریافت.

طوریکه میبینیم و مطالعه ن مودیم این کلمه قبل از امپراطوری احمد شاه درانی وجود داشته و بکار رفته است و برخلاف نظریات عده ای احمد شاه ابدالی بنا بر زیبا بودن و وارد بودن این کلمه برحیات اجتماعی وقت، نام افغانستان را از آثار دیگران بر کشورش بر گزیده است.

سرزمین ما در هزاره دوم و سوم قبل از میلاد عرصه گامهای مهاجرین جدید گردیده این مهاجرت پیوسته برای دستیابی به سرزمین های بهتر و آب فراوان سراسر این دوره را در نور دیده است.

اجداد ما آریایی ها که به قول بعضی ها از مناطق قفقاز مهاجرت نموده و از کوه های پامیر به طرف دجله ها سرازیر شده اند و غیره.

به هرحال این اقوام در فلات پهناور و کوهستانها که از طرف شرق به جبال سرکش هندوکش و شرق و جنوب شرقی به سلسله کوههای زاگراس و از جنوب به اقیانوس هند محاط بوده زیست داشتند.

آنها تمدن های درخشان و با شکوهی را بنیاد کردند که در حدود بیش از دوهزار سال میان تمدن های جهانی درخشش چشمگیری داشت. این تمدن ها تمامی گروه های مهاجم را در خود مستهلک نموده بود، قابل یاد آوریست که اسکندر مقدونی فاتح جهان به این فرهنگ سر گذاشت و در پای آن نشست و حتی عرب ها ترک ها و چنگیزیان مقهور این تمدن شدند.

این یکی از ویژه گیهای مهم سرزمین ماست که هیچ قومی و هجومی نتوانست که انقطاع فرهنگی در آن ایجاد کند و بر همین بنیاد است که تازیان (اعراب) مطیع این فرهنگ و تمدن گردیدند و سر انجام این تازیان توانستند با ایجاد فشار های نظامی و اعزام قطعات جنگی فتوحات در سرزمین های ما که پیرو یگانه دین یکتا پرستی ( زردشتی) و تمدن بودایی بود.

ایده ای جدیدی را به میان بیاورد و فریاد های آزادی خواهی را سرکوب و داشته های فرهنگی پیشینیان ما را به باد فنا دهند و اما ما دین خراسان و طلوع جلوه گاه چراغ جهان و مشعل خلق ها را به فال نیک می گیریم.

حال بیجا نخواهد بود تا روی ویژه گیهای سرزمین ما جهت روشن شدن اهمیت تاریخی، مدنی، فرهنگی و تجارتی آن مکثی نماییم تا باشد خواننده را متوجه اهمیت سوق الجیشی این مناطق نموده باشیم.

\*\*\*

محمد حکیم « کرنزی »

- ۱ - تاریخنامه هرات نوشته سیف بن محمد یعقوب الهروی.
- ۲ - اوستا تالیف اکادمیسین داکتر جاوید سال « 1999 ص 114 » .

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org) - بازگشت به صفحه اصلی